

نقد و بررسی ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی*

دکتر سید ابراهیم قدسی

استادیار دانشکده علوم انسانی، دانشگاه مازندران

E-mail: Ghodsi @ umz.ac.ir

علی پورزین

قاضی دادگستری

چکیده

رابطه نامشروع و عمل منافی عفت غیر از زنا از دیدگاه فقهی، حرام و از دیدگاه حقوقی، جرم و مجازات آن تعزیر است. در فقه و حقوق تعریف جامع و مانعی از این دو موضوع ارائه نشده است. ماهیت و تعریف جرم «روابط نامشروع» با جرم «عمل منافی عفت غیر از زنا» فرق دارد و می‌توان آن دو را این گونه تعریف کرد که روابط نامشروع عبارت است از هر گونه ارتباط میان مرد و زن نامحرم با قصد لذت بردن و عمل منافی عفت غیر از زنا عبارت است از هر گونه تماس جسمی و فیزیکی میان مرد و زن نامحرم به قصد لذت بردن بدون اینکه واقعه‌ای صورت بگیرد. قانونگذار مقدار مجازات تعزیر را برای آن دو مشخص نکرده است و با توجه به تفاوت ماهیت دو موضوع میزان شلاق باید متفاوت باشد. در این مقاله موضوع «روابط نامشروع» و «عمل منافی عفت غیر از زنا» از دو دیدگاه فقهی و حقوقی مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد.

کلیدواژه‌ها: رابطه نامشروع، عمل منافی عفت، ادله اربعه، رکن قانونی، رکن

* - تاریخ وصول: ۸۳/۱/۱۶ ، تاریخ تصویب نهایی: ۸۳/۱۲/۱۲ .

مادی، رکن معنوی.

طرح مسأله

یکی از بزرگترین نیروهای درونی جوانان، غریزه جنسی است که اگر از راه‌های اصلی و اساسی کنترل نشود، طغیان می‌کند و پیامدهای بسیار بدی برای فرد و جامعه به دنبال دارد. شاید به همین دلیل بوده است که از منظر دین اسلام و بزرگان دین همواره برای جلوگیری از اشاعه فحشاء و حفظ حرمت آبرو و حیثیت مردم در خصوص مسائل جنسی موضوع چشم‌پوشی، اختفاء و پرده پوشی سرلوحه کار بوده است. قضاوت امیرالمؤمنین در مورد زنی که اصرار به اقرار به زنا داشت مؤید این برداشت می‌باشد (حر عاملی، تصحیح رازی، ص ۳۷۸). امروزه بعضاً برخورد ضابطان دادگستری برای شناسایی و تعقیب مرتکبان و محاکم قضایی در انجام تحقیقات مقدماتی و تفهیم اتهام و صدور رأی و مجازات آنها، خلاف راه و روش پسندیده‌ای است که بدان سفارش شده است. بدیهی است در برخورد با مسائل جنسی نباید راه افراط و یا تفریط را در پیش گرفت که هم صحیح و منطقی نیست و هم شرعی و عقلائی نمی‌باشد. جرائم منافی عفت، دارای عوامل و علل فراوانی است که شناخت هر یک از آنها ضمن اینکه همکاری همه جانبه جامعه شناسان و جرم شناسان و روانشناسان و حقوقدانان را می‌طلبد کمک شایانی در جهت حفاظت جامعه از مفاسدی که دامنگیر آن می‌شود، می‌نماید. یکی از علل اساسی، ارضای غریزه جنسی است و مسائلی همچون مشاهده فیلم‌های شهوت انگیز، مطالعه کتب و مجلات خلاف اخلاق و شرکت در مهمانی‌های مختلط می‌تواند جوان را تا سر حد ارتکاب جرایم جنسی تحریک و ترغیب نماید (نقوی، ص ۶۲). برای مبارزه با انحطاط اخلاقی و جلوگیری از بی‌عفتی هم باید از روش درونی یا اخلاقی و هم از روش بیرونی یا جزایی استفاده کرد. زیرا بسیاری از افرادی که به اصول اخلاقی و مذهبی پایبند نیستند و با ارتکاب عمل مجرمانه آسایش عمومی را از مردم سلب می‌نمایند. بنابراین تنها

راهی که برای مقابله به نظر می‌رسد اعمال مجازات برای افرادی است که از مرزهای اخلاقی جامعه پا را فراتر می‌گذارند و موجبات برهم خوردن نظم آن جامعه را به وجود می‌آورند. (پاد، ص ۳۸).

قانونگذار جمهوری اسلامی ایران با عنایت به مبانی و مستندات فقهی، برای مقابله با پدیده مجرمانه روابط نامشروع و عمل منافی عفت با تصویب ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی خواسته است عرصه را بر تبهکاران ببندد. اینکه مبانی و مستندات فقهی این موضوع چیست؟ آیا وجود ماده موصوف توانسته است هدف قانونگذار را برآورده کند یا خیر؟ آیا تعیین یک مجازات برای دو عنوان مستقل «روابط نامشروع» و «عمل منافی غیر از زنا» صحیح است یا خیر؟ آیا مجازات تا نود و نه ضربه شلاق برای دو عنوان مجرمانه موصوف کافی به مقصود است یا خیر؟ موضوعاتی است که در این مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد. قبل از هر چیز لازم است مفاد ماده ۶۳۷ عیناً ذکر گردد. «ماده ۶۳۷ - هرگاه زن و مردی که بین آنها علقه زوجیت نباشد، مرتکب روابط نامشروع یا عمل منافی عفت غیر از زنا از قبیل تفبیل یا مضاجعه شوند، به شلاق تا نود و نه ضربه محکوم خواهند شد و اگر عمل با عنف و اکراه باشد فقط اکراه کننده تعزیر می‌شود».

از آن جا که قانونگذار تعریفی از این دو واژه به میان نیاورده و حدود و ثغور آن دو را مشخص نکرده و در منابع فقهی نیز فقط مصادیق آن ذکر شده است مراجع قضایی در برخورد با مرتکبان و عاملان جنایت این دو پدیده مجرمانه، روند واحد و یکسان نداشته‌اند و همین موضوع سبب شده است که آراء متناقض و متعارض در موضوعات مشابه توسط قضات صادر گردد.

در این مقاله ابتدا به بررسی فقهی دو موضوع یاد شده می‌پردازیم و سپس بررسی قانونی آن مورد توجه قرار می‌گیرد.

بررسی فقهی روابط نامشروع و عمل منافی عفت غیر از زنا

به موجب اصل چهارم قانون اساسی کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد و همچنین بر اساس اصل ۱۶۷ قانون اساسی، قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی فتاوی معتبر حکم را صادر نماید و نمی تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد.

همین موضوع در قوانین عادی از قبیل ماده ۹ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳ و ماده ۲۱۴ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ نیز به چشم می خورد. با توجه به اصول قانون اساسی ذکر شده و مواد قانونی موصوف یکی از مهمترین و اصلی ترین منابع در خصوص موضوع مورد بحث، منابع فقهی (کتاب، سنت، اجماع و عقل) است که در این قسمت آنها را مورد بررسی و مطالعه قرار می دهیم.

کتاب

کتاب «قرآن»، یکی از منابع اصلی در مباحث فقهی است. اهم و اعظم مطالب فقهی در تمامی مذاهب اسلامی از جمله حنبلی، شافعی، مالکی، حنفی و شیعه، برگرفته از آیات شریفه قرآن کریم می باشد. سؤال در این است که آیا در قرآن مجید، آیاتی وجود دارد که موضوع روابط نامشروع و عمل منافی عفت را مورد توجه قرار داده و ارتکاب و یا نزدیک شدن به آن را نهی کرده باشد یا خیر؟

با کمی مذاقه در آیات شریفه قرآن مجید به این نتیجه می رسیم که قرآن کریم در محدوده جرایم جنسی، صرفاً در خصوص جرم زنا، سخن به میان آورده است که می توان به آیات دوم «الزانیه و الزانی فاجلدوا کل واحد منهما مائة جلدة...» و سوم سوره مبارکه نور «الزانی لا ینکح الا زانیة او مشرکه و الزانیة لا ینکحها الا زان...»

اشاره نمود.

در خصوص دیگر اعمال جنسی به غیر از زنا، با کمی دقت در برخی دیگر از آیات الهی و از طریق قیاس اولویت شاید بتوان حکم این گونه اعمال را به دست آورد. به طور مثال آیات ۳۰ و ۳۱ سوره مبارکه نور می‌فرماید: «ای رسول ما، مردان مؤمن را بگو تا چشم‌ها را بپوشند و فروج و اندامشان را محفوظ دارند که این بر پاکیزگی شما اصلح است و البته خدا به هر چه کنید کاملاً آگاه است؛ و زنان مؤمن را بگو تا چشم‌ها بپوشند و فروج و اندامشان را محفوظ دارند و زینت و آرایش خود جز آنچه ظاهر می‌شود بر بیگانه آشکار نسازند...»

در شأن نزول آیه ۳۰ از قول امام باقر (ع) نقل شده است: در مدینه، جوانی از انصار با خانمی روبرو شد. زنان در آن زمان مقنعه‌ها را پشت گوشها می‌انداختند. جوان، نگاه را به آن خانم دوخت و او همچنان به راه خود ادامه می‌داد. هنگامی که زن از برابر وی رد شد، باز به زن نگه می‌کرد و راه خود را ادامه می‌داد تا داخل کوچه‌ای شد و همچنان که به پشت سر نگاه می‌کرد، استخوان یا شیشه‌ای که در دیوار بود صورت وی را درید. هنگامی که زن از جلوی چشمش ناپدید شد به خود آمد، دید خون بر لباس و سینه‌اش جریان دارد. پیش خود گفت به خدا سوگند نزد رسول خدا (ص) می‌روم و او را از این واقعه می‌آگاهانم... جوان داستان را برای حضرت باز گفت. آنگاه جبرئیل (ع) بر پیامبر نازل شد، با آیه شریفه ۳۰ سوره مبارکه نور (عابدینی، شماره ۲۳ ص ۷۲ - ۷۱).

با توجه به آیات فوق و شأن نزول آنها می‌توان نتیجه گرفت که وقتی صرف نگاه کردن به زن تا این درجه نزد خداوند متعال مذموم باشد، به طریق اولی صحبت‌های غیر ضروری میان دو نامحرم بخصوص اگر از روی شهوت باشد یا انجام هر گونه کارهای عادی دیگر که مقدمه تحریک قوای جنسی و شهوانی است، نیز مذموم به حساب می‌آید و مسلم است که هر گونه تماس جسمی میان زن و مرد نامحرم به قصد التذاذ

هر چند به موافقه منجر نگردد، نزد خداوند متعال زشت و ناپسند خواهد بود. در آیه ۱۵۱ سوره مبارکه انعام به نوعی دیگر از جرائم منافی عفت غیر از زنا اشاره شده است. در اواسط این آیه مقرر شده است: «... و به کارهای زشت آشکار و نهان نزدیک نشوید...».

برخی از مفسران (طباطبایی، ۵۷۲/۷) گفته‌اند: «کلمه فواحش جمع فاحشه است که به معنای کار بسیار زشت و شنیع است و خدای تعالی در کلام خود زنا و نسبت زنا به مردان و زنان پاکدامن را از مصادیق فاحشه شمرده و از ظاهر کلام بر می‌آید که مراد از فاحشه ظاهری گناه علنی و مقصود از فاحشه باطنی، گناه سری و روابط نامشروع برقرار کردن در پنهان است».

در تفسیر نمونه (مکارم شیرازی، ۳۵/۶) آمده است: «فواحش به معنی گناهانی است که فوق‌العاده زشت و تنفرآمیز است. در این آیه در دو مورد تعبیر به «لاتقربوا» شده است. این موضوع در مورد بعضی از گناهان دیگر نیز در قرآن تکرار شده است و به نظر می‌رسد این تعبیر در مورد گناهانی است که وسوسه‌انگیز است مانند زنا و فحشاء، لذا به مردم اخطار می‌کند که به آنها نزدیک نشوند تا تحت تأثیر وسوسه‌های شدیدشان قرار نگیرند. شک نیست که جمله «ما ظهر منها و ما بطن» هر گونه گناه زشت آشکار و پنهانی را شامل می‌شود، ولی در بعضی از احادیث از امام باقر (ع) نقل شده است که فرمودند: «ما ظهر هو زنا و ما بطن هو المحاله» منظور از گناه آشکار، زنا و منظور از گناه پنهان، گرفتن معشوقه‌های نامشروع پنهانی و مخفیانه است، اما روشن است که ذکر این موارد به عنوان بیان یک مصداق روشن است نه اینکه منحصر به همین مورد بوده باشد».

سنت

منظور از سنت در فقه شیعه، قول یا فعل یا سیره و روش معصوم و یا قول و فعلی

است که در نزد معصوم صورت گرفته و معصوم آن را تأیید نموده است. در این قسمت به روایاتی که به نوعی در زمینه اعمال منافی عفت می‌باشد، می‌پردازیم. نکته جالب توجه این است که در روایات وارد شده فقط به مصادیق اعمال منافی عفت غیر از زنا اشاره شده و در خصوص رابطه نامشروع هیچ دلیلی روایی وجود ندارد. علمای اسلامی به تبعیت از روایات فقط به اعمال منافی عفت غیر از زنا همانند تقبیل، معانقه و مضاجعه پرداخته و متعرض موضوع روابط نامشروع نشده‌اند.

روایت اول: عبدالله بن سنان نقل می‌کند که از ابو عبدالله (ع) شنیده‌ام که فرمود: «حد شلاق برای زنا این است که مرد و زن زیر یک لحاف یافت شوند و برای دو مردی است که زیر یک لحاف و برای دو زنی که زیر یک لحاف پیدا شوند» (حر عاملی، ۳۶۴/۱۸، حدیث ۴).

روایت دوم: عبدالرحمن الحذاء نقل می‌کند که از ابو عبدالله (ع) شنیده‌ام که فرمود: «زمانی که مرد و زنی زیر یک لحاف دیده شوند هر دو صد تازیانه می‌خورند» (همان، حدیث ۵).

روایت سوم: ابی‌بصیر نقل می‌کند در خصوص مرد و زنی که زیر یک جامه باشند از امام (ع) سؤال کردم. در جواب فرمودند: «هر دو صد تازیانه می‌خورند» (همان، حدیث ۷).

روایت چهارم: امام صادق (ع) فرمود: «اگر مرد و زنی را زیر یک پوشش یافتید، بینه‌ای نیز علیه آنها اقامه شده است و گواهان نیز بیش از این مقدار اطلاعی نداشته‌اند، هر کدام از آنها صد ضربه شلاق می‌خورند» (همان، حدیث ۹).

روایت پنجم: ابان بن عثمان روایت کرد: حضرت امام صادق (ع) فرمود: «علی (ع) زن و مردی را در زیر یک پوشش یافت و هر کدام از آنها را صد ضربه شلاق به جز یک شلاق زد» (همان، حدیث ۱۹). عبارت قریب به همین مضمون را در احادیث ۲۰ و ۲۴ می‌توان ملاحظه نمود.

روایت ششم: حضرت علی (ع) در مورد دو مردی که زیر یک لحاف یافت می‌شدند حد زنا را اجرا می‌نمود به جزیک ضربه و همچنین در مورد دو زن و اگر در شب مرد و زنی را با هم می‌دید بر آنان حد جاری نمی‌کرد (مجلسی، بحارالانوار، ۹۴/۷۶).

روایات فوق در دیگر کتب روایی همانند *تهذیب شیخ طوسی* (جلد ۷) و *فروع کافی* (جلد ۱۰) نیز ذکر شده است. آنچه مهم است اینکه مفاد روایات وارده دلالت بر نهی از ایجاد عمل منافی عفت غیر از زنا دارد و یکی از مصادیق بارز آن را که همانا زیر یک لحاف خوابیدن می‌باشد مورد توجه قرار داده و حکم آن را بیان داشته است. بدیهی است احکام بیان شده در این روایات را نمی‌توان برای روابط نامشروع در نظر گرفت. از مصادیق روابط نامشروع، می‌توان به مکالمه، مکاتبه و خلوت کردن اشاره کرد.

اجماع

قبل از ذکر کلمات فقهاء باید توجه داشت که اجماع در صورتی حجت است که مدرکی در دست نباشد. در خصوص این موضوع، دلیل فقها همان روایات است، بنابراین نمی‌توان آن را یک دلیل مستقل در نظر گرفت، اما می‌توان آن را یک مؤید به حساب آورد.

با بررسی نظرات علماء و فقها این برداشت وجود دارد که از آن جا که در روایات فقط موضوع عمل منافی عفت غیر از زنا مورد توجه قرار گرفته، آنها هم به تبعیت از مفاد روایات به ذکر همین موضوع پرداخته‌اند و تقریباً به صورت مشابه، الفاظ و کلمات یکسانی در کتب مختلف فقهی متذکر شده‌اند که در این قسمت به برخی از آنها اشاره می‌شود.

محقق حلی (ص ۳۴۵) گفته است: «در تقبیل، یعنی، بوسیدن و مضاجعه در زیر

یک لحاف، یعنی، خوابیدن در زیر یک جامه و معانقه، یعنی، یکدیگر را بغل کردن دو روایت است، یکی از آن دو صد تازیانه است و دیگر کمتر از حد است و این روایت اشهر است.»

شیخ محمد حسن نجفی (۲۸۹/۴۱ و ۲۹۰) اظهار داشته است: «در بوسیدن و همبستر شدن در یک پوشش، مثلاً، یکدیگر را بغل گرفتن و مانند آن که استمتاع بمادون فرج نامیده می‌شود، دو دسته روایات وجود دارد: یک دسته از آنها ۱۰۰ ضربه شلاق را تعیین کرده ... و دسته دیگر مجازات کمتر از حد را بیان کرده است.»

ابن زهره در *الغنیه* نوشته است: «نسبت به مقدمات زنا و لواط، یعنی، خوابیدن در زیر یک پوشش، هم آغوشی، بوسیدن و نظایر اینها تعزیر اجرا خواهد شد، البته طبق نظر ولی امر از ۱۰ ضربه گرفته تا ۹۹ تازیانه» (محقق داماد، ۲۰۵/۴).

شیخ طوسی هم در کتاب *المبسوط* می‌فرماید: «اگر انسان مرتکب عملی بشود که محقق تعزیر است مانند آنکه نامحرمی را ببوسد یا از او استمتاع جنسی کمتر از زنا ببرد، تأدیب او با امام است پس امام می‌تواند او را توبیخ یا نکوهش و یا زندانی کند و اگر بخواهد او را تعزیر کند، پس او را به تعدادی که به حد زنا نرسد، شلاق می‌زند کمترین آن ۴۰ ضربه می‌باشد.» (همان، ص ۲۰۶).

یکی از نویسندگان در ترجمه *شرح شرایع السلام* محقق حلی، اظهار داشته است: «فقها و روایات درباره حکم دو نفر که در یک بستر با هم خوابیده باشند و یا استمتاع و لذت دیگری، کمتر از نزدیکی، از یکدیگر ببرند مختلفند.»

شهید اول (ص ۲۴۴) در همین باره گفته است: «در بوسیدن یا همبستر شدن زیر یک لحاف به مقدار کمتر از حد تعزیر می‌شود.»

شهید ثانی (۱۳۵/۹) بیان داشته است: «در بوسیدن نامحرم و همبستر شدن؛ یعنی، مرد همراه زنی در زیر یک پوشش یا یک لباس یا یک لحاف واحد بخوابد، به مقدار کمتر از حد تعزیر می‌شود به دلیل اینکه آن عمل حرامی است که به حد زنا نمی‌رسد و

مبنای تشخیص مقدار تعزیر بسته به نظر حاکم است و ظاهراً منظور از حدی که تعزیر فوق به آن نمی‌رسد، حد زنا می‌باشد، همان گونه که در بعضی اخبار بدان اشاره شده است آنها ۹۹ ضربه شلاق زده می‌شوند».

امام خمینی (ره) فرموده است: (تحریر الوسیله، ۴۵۹/۲) «در بوسیدن و با هم خوابیدن و معانقه و غیر اینها از استمتاع - غیر از عورت - تعزیر می‌باشد و حدی در آنها نیست، کما اینکه در تعزیر، تحدیدی نمی‌باشد بلکه تعزیر - بنا بر قول اشبه - منوط به نظر حاکم است».

با بررسی کلیه نظرات علما - که برگرفته از روایات متعدد و بعضاً متناقض می‌باشد - چنین استنباط می‌گردد که مجازات اعمال منافی عفت غیر از زنا قطعاً تعزیر است. اما برخی معتقد به میزان تعزیر معادل حداکثر یک صد تازیانه و برخی دیگر اعتقاد به ۹۹ ضربه شلاق دارند همچنین در خصوص حداقل مجازات نیز اختلاف نظر به حدی است که نمی‌توان استنتاج دقیقی به عمل آورد و همان گونه که قبلاً گفته شد هیچ یک از فقها در موضوع روابط نامشروع، حکمی بیان نکرده‌اند.

نگاهی به برخی از استفتائات جدید

ضروری به نظر رسید در این قسمت به برخی از استفتائات جدید در خصوص جرائم منافی عفت اشاره گردد.

سؤال: آیا اعمالی از قبیل مکالمه تلفنی و یا قدم زدن در پارک یا در خیابان و یا صحبت کردن در هر مکانی بین دختر و پسری که علقه زوجیت ندارند رابطه نامشروع و عمل منافی عفت تلقی می‌شود و آیا اصولاً اعمالی از این قبیل که فقط حد مصاحبت بین دختر و پسر می‌باشند می‌تواند موجب تعزیر و مجازات از سوی قاضی باشد یا خیر؟

آیت الله خامنه‌ای: «مواقع مختلف است و امور قضایی موکول است به محاکم

ذی ربط و الله اعلم».

آیت الله بهجت: «اگر رابطه به حد حرام باشد که سبب فتنه و فساد بشود و گناه کبیره شود تعزیر دارد به مقداری که قاضی شرع در نظر بگیرد ولی صرف گناه صغیره تعزیر ندارد».

آیت الله تبریزی: «چنانچه اعمال مزبور تکرار می شود و همراه با تحریک شهوت بر حرام باشد، حرام و موجب تعزیر است. و الله العالم».

آیت الله فاضل لنکرانی: «زن و مرد نامحرم تنها در حدی که یک مغازه دار و مشتری با حفظ کل شرایط با هم صحبت می کنند، حق دارند صحبت کنند و هر نوع ارتباط دیگری بین آنان حرام است و به تناسب ارتباط، قاضی حق دارد عاملین آن کار حرام را تعزیر نمایند».

نگاهی اجمالی به استفتانات موصوف نشان دهنده این است که روابط نامشروع همانند عمل منافی عفت، حرام و موجب تعزیر می باشد (پور زرین، ص ۶۵).

عقل

باید توجه داشت که اولاً احکام شرعی، تابع مصالح و مفاسد می باشد و اگر مصلحت نبود، شارع امر و اگر مفاسد نبود، شارع نهی نمی فرمود. ثانیاً عقل فی الجمله قابلیت درک این مصالح و مفاسد را دارد هر چند مصلحت برخی از احکام، به دلیل کامل نبودن اطلاعات علمی بشر ممکن است بر عقل پوشیده باشد. ثالثاً بین حکم شرع و حکم عقل ملازمه وجود دارد: «کلما حکم به العقل، حکم به الشرع و کلما حکم به الشرع، حکم به العقل».

با این مقدمه، سؤالی که مطرح می شود آن است که آیا عقل، مفاسد انگیز بودن «رابطه نامشروع» و «اعمال منافی عفت» را تأیید می کند یا خیر؟

پر واضح است که عقل هم مفاسد متعدد موجود در روابط نامشروع میان زن

و مرد یا اعمال منافی عفت میان ایشان را تأیید می‌کند و این گونه اعمال را مذموم و ناپسند به حساب می‌آورد. کدام عقل سلیمی است که از هم پاشیدن کیان خانواده، به وجود آمدن انواع امراض مقاربتی که سرانجام این گونه اعمال می‌باشد مانند سوزاک، سیفلیس و ایدز به وجود آمدن شبهه در نسب افراد، افزایش قتلها و دیگر جرایم ناموسی در جامعه را - که همگی از نتایج جرایم منافی عفت و نیز وجود رابطه نامشروع می‌باشد - نادیده انگارد و آنها را دارای قبح ذاتی نداند.

با توجه به مراتب فوق و مدلول ادله اول و چهارم به نظر می‌رسد روابط نامشروع همانند عمل منافی عفت غیر از زنا از دیدگاه فقهی حرام و مجازات آن تعزیر می‌باشد که میزان آن به نظر حاکم شرع بستگی دارد.

بررسی حقوقی روابط نامشروع و عمل منافی عفت غیر از زنا

تعریف لغوی رابطه نامشروع و عمل منافی عفت

رابطه از نظر لغت، یعنی «آنچه که دو تن یا دو چیز را به هم پیوستگی و ارتباط بدهد». (عمید، ص ۶۳۴) و مشروع، یعنی «آنچه مطابق شرع باشد و شرع آن را روا و جایز بداند» (همان، ص ۱۰۹۱). بنابراین نامشروع، یعنی آنچه مطابق شرع نباشد و شرع آن را جایز نداند.

عمل منافی عفت غیر از زنا از کلمات متعددی تشکیل شده است. عمل، یعنی کار، کار کردن (همان، ص ۸۷۴) و منافی عفت عبارت است از: امور جنسی شرم‌آور در عرف یک جامعه که برای موافقه یا شروع در آن صورت بگیرد، اگر صورت گیرد هتک ناموس یا شروع در هتک ناموس است. پس ملاک، غرض مرتکب است. در معنی عام، شامل همه صور مزبور است. عمل منافی عفت، مادی است نه صرف تلفظ (جعفری لنگرودی، ۳۵۲۳/۴) زنا، یعنی جفت شدن مرد و زن با هم به حرام و به طور نامشروع

(عمید، ص ۶۹۱).

تعریف اصطلاحی

رابطه نامشروع: «رابطه جنسی مرد و زن بر خلاف قانون و مستلزم کیفر که به حد دخول نرسد وگرنه زنا است و خارج از مفهوم واژه مذکور است. فرقی نمی‌کند که آن رابطه مستمر باشد یا نه مانند مس و تفخیز و بوسیدن. این عنوان عام در فقه نیست بلکه زیر عنوان خاص گفته می‌شود. شاید استمتاع به ما دون فرج معادل واژه بالا باشد» (جعفری لنگرودی، ص ۲۲۶۱ - ۲۲۶۰).

عمل منافی عفت غیر از زنا در ترمینولوژی‌ها و واژه‌نامه‌ها تعریف نشده است بلکه فقط عمل منافی عفت مورد توجه قرار گرفته است که اول، عمل مادی از روی قصد صورت گرفته باشد. دوم آن عمل مربوط به امور جنسی باشد. سوم، عمل مذکور خلاف عفت و اخلاق عمومی باشد.^۱

۱. عفت از نظر لغوی به معنی باز ایستادن از حرام، پاکدامنی و ترک شهوت است. (عمید، ص ۸۶۸) و عمومی به معنی همه را فرا گرفتن و همگی است (همان، ص ۸۷۴) و عفت عمومی در اصطلاح یعنی آنچه از امور جنسی که در مقطعی از مقاطع زمان، بر ملا شدن آن باعث ناراحتی عموم گردد. خدشه‌دار کردن آن را «جریمه‌دار کردن عفت عمومی» گویند مانند نشر صور قبیحه و منافیات عفت عمومی علی (جعفری لنگرودی، ۲۵۵۳/۴ و ۲۵۵۲). اخلاق عمومی، مرکب از دو کلمه «اخلاق» و «عمومی» است اخلاق در لغت به معنای خویها و جمع خلق است (عمید، ص ۹۰) و معنی کلمه «عمومی» ذکرش در بالا گذشت. اخلاق عمومی مترادف «اخلاق حسنه» است؛ یعنی، «حداقل موازین اخلاقی که از نظر متعارف مردم یک قوم یا سکنه یک کشور، نقض آنها ناپسند شمرده شود». (جعفری لنگرودی، همان منبع، ص ۲۱۹).

تعریف قانونی

جرایم روابط نامشروع و عمل منافی عفت غیر از زنا در قوانین قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و بعد از آن تعریف نشده است. فقط در خصوص جرم «عمل منافی عفت غیر از هتک ناموس» رأی وحدت رویه به شماره ۱۱۸۹ - ۱۳۳۶/۳/۳۰ صادره از هیأت عمومی دیوان عالی کشور وجود داشته است.^۱

ماده ۲۱۲ قانون مجازات عمومی مصوب سال ۱۳۰۴ یکی از مصادیق روابط نامشروع را این گونه بیان کرده است: «هر گونه ارتباط دو طرفه میان زن و مرد (غیر شوهر) همراه با هر نوع تماس جسمی به قصد التذاذ جنسی که حداقل یکی از طرفین متأهل نیز باشد». از مفاد ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۵ نگارنده این گونه برداشت می‌کند که روابط نامشروع عبارت است از: «هر گونه ارتباط دو طرفه میان مرد و زن نامحرم به قصد التذاذ جنسی و بدون هر گونه تماس جنسی». از تعریف فوق نتیجه گرفته می‌شود که اولاً رابطه نامشروع یک ارتباط دو طرفه است که با عنف و اکراه قابل تحقق نیست؛ ثانیاً این جرم میان افراد نامحرم قابل تصور است و میان اقوام محرم همانند عروس و پدر شوهر و برادر و خواهر قابل تصور نیست؛ ثالثاً حتماً باید با قصد التذاذ جنسی باشد؛ رابعاً ارتباط نامشروع باید بدون تماس جسمی باشد؛ خامساً فرقی میان متأهل و مجرد افراد مرتکب وجود ندارد. جرم عمل منافی عفت غیر از زنا را می‌توان این گونه تعریف کرد: «هر گونه تماس

۱. «منظور از عمل منافی عفت غیر از هتک ناموس مذکور در ماده ۲۰۸ قانون مجازات عمومی این است که با مجنی علیها اعمال منافی عفت غیر از مواقعه انجام شده باشد و الا ارتکاب مواقعه به عنف با زن یا دختر بدون رابطه زوجیت (اعم از قبل و دبر) هتک ناموس بوده و مشمول فراز اول بند الف ماده ۲۰۷ قانون مجازات عمومی خواهد بود...».

جسمی و فیزیکی مرد و زن نامحرم به قصد التذاذ جنسی به جز مواقعه». لذا با این تعریف، اولاً باید تماس جسمی فیما بین زن و مرد باشد؛ ثانیاً ارتکاب این عمل چه با عنف و اگره و چه بدون عنف و اگره قابل تحقق است. با این توضیح مغایرت آشکار فیما بین تعریف اصطلاحی و قانونی بر کسی پوشیده نخواهد بود.

از آن جا که در ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی هم «روابط نامشروع» و هم «عمل منافی عفت غیر از زنا» آمده است مراد قانونگذار از ذکر دو عنوان، دو معنای جداگانه است که ذکرش گذشت. در حالی که در ماده ۱۰۱ قانون راجع به مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۶۲ فقط «عمل منافی عفت غیر از زنا» آمده و از «روابط نامشروع» ذکری به میان نیامده است.^۱

در قانون مجازات عمومی سال ۱۳۰۴ نیز جرم «روابط نامشروع» پیش‌بینی نشده بود تا اینکه در شهریور ۱۳۱۲ و سپس در اسفند ۱۳۱۳ اصلاحاتی در آن به وجود آمده و در ماده ۲۱۲ اصلاحی موضوع روابط نامشروع مطرح گردید: «کسانی که عالمماً مرتکب یکی از اعمال ذیل شوند به حبس تأدیبی از شش ماه تا سه سال محکوم خواهند شد: ۱ - هر زن شوهردار که با مردی رابطه نامشروع داشته باشد. ۲ - هر مردی که با زن شوهردار رابطه نامشروع داشته باشد...»

در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ در ماده ۶۳۷ هم «روابط نامشروع» و هم «عمل منافی عفت غیر از زنا» آمده است و اشکالی که وجود دارد مقدار مجازاتی است که برای دو جرم پیش‌بینی شده که نود و نه ضربه شلاق است. زیرا ممکن است قاضی

۱. ماده ۱۰۱: «هرگاه مرد و زنی که بین آنها علقه زوجیت نباشد، مرتکب عمل منافی عفت غیر از زنا از قبیل تقبیل یا مضاجعه شوند به شلاق تا نود و نه ضربه محکوم خواهند شد و اگر عمل با عنف و اکراه باشد، فقط اکراه کننده تعزیر می‌شود».

رسیدگی کننده یک رابطه نامشروع که در حد یک مکاتبه عاشقانه بوده است نمود و هشت ضربه شلاق و قاضی دیگر عمل منافی عفت از قبیل مضاجعه و یا تقبیل میان زن و مرد را دو ضربه شلاق در نظر بگیرد که با هیچ منطقی سازگار نیست.

ارکان تشکیل دهنده جرم

رکن قانونی

یکی از ارکان تشکیل دهنده هر جرمی، رکن قانونی است زیرا اعمال انسانی هر قدر هم که زننده و غیر اخلاقی و یا مضر و خطرناک باشد قابل مجازات نیست مگر آنکه قبلاً از طرف قانون، به عنوان جرم معرفی و مجازاتی برای آن تعیین شده باشد. این اصل را اصل قانونی بودن جرم (و مجازات) می خوانند (صانعی، ۱۷۴/۱). این اصل یکی از اصول مهم حقوق جزا در اکثر کشورهای متمدن امروزی می باشد و در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در اصل سی و ششم منعکس شده است: «حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد». همچنین اصل یک صد و شصت و هشتم مقرر می دارد: «احکام دادگاهها باید مستدل و مستند به مواد قانون و اصولی باشد که بر اساس آن حکم صادر شده است». همچنین اصل یک صد و شصت و نهم بیان می دارد: «هیچ فعل یا ترک فعلی به استناد قانونی که بعد از آن وضع شده است جرم محسوب نمی شود». درباره اینکه آیا رکن قانونی، یکی از ارکان سه گانه موجود جرم است یا رابطه آن با دو رکن مادی و معنوی یک رابطه طولی است نه عرضی، میان حقوقدانان اختلاف نظر وجود دارد. رابطه بین عنصر قانونی و دو عنصر مادی و روانی یک رابطه طولی است نه عرضی و بدین ترتیب بحث از عنصر قانونی به طور مجزای از عناصر مادی و روانی موضوعیت ندارد (میرمحمدصادقی، ص ۵۳). اختلاف موجود ثمره عملی نداشته و از اهمیت موضوع رکن قانونی نمی کاهد زیرا در هر حال اگر قانونگذار عملی را از قبل ممنوع نکرده باشد، تعقیب

مرتکب و محاکمه و مجازات وی با مبانی فقهی و حقوقی سازگاری ندارد. جرائم منافی عفت، در قوانین بعد از انقلاب اسلامی، دو مرتبه مورد توجه قانونگذار قرار گرفته است. ابتدا قانون تعزیرات مصوب سال ۱۳۶۲ و سپس قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵. در ماده ۱۰۱ چنین مقرر شده است: «هرگاه مرد و زنی که بین آنها علقه زوجیت نباشد، مرتکب عمل منافی عفت غیر از زنا از قبیل تقبیل یا مضاجعه شوند به شلاق تا ۹۹ ضربه محکوم خواهند شد و اگر این عمل با عنف و اکراه باشد، فقط اکراه کننده تعزیر می‌شود». در این ماده قانونی اشاره‌ای به رابطه نامشروع نشده است. شاید علت اصلی آن، این بوده است که قانون مجازات اسلامی برگرفته از متون فقهی است و در متون فقهی نیز همانطوری که قبلاً گفته شد اشاره‌ای به جرم رابطه نامشروع نشده است.

در دادگاهها قضات از سال ۱۳۶۲ تا سال ۱۳۷۵ چنانچه عمل ارتكابی را، منافی عفت تشخیص می‌دادند بر اساس ماده ۱۰۱ قانون تعزیرات اقدام به صدور رأی می‌کردند اما اگر عمل ارتكابی از مصادیق رابطه نامشروع به حساب می‌آمد دچار مشکل می‌شدند. در این خصوص به سه روش مختلف بنا بر تشخیص خود عمل می‌کردند: یک دسته، عمل ارتكابی را جرم ندانسته و در مرحله مقدماتی، قرار منع تعقیب و بعد از ورود در ماهیت دعوی، رأی برائت مرتکب را صادر می‌نمودند. دسته دیگر، معتقد بودند که مقررات ماده ۲۱۲ قانون مجازات عمومی به قوتش باقی است و بر این اساس حکم محکومیت مرتکب را صادر می‌نمودند که با نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه، این روش مطرود شد: «با تصویب ماده ۱۰۱ قانون تعزیرات که هر نوع عمل منافی عفت و رابطه نامشروع مرد و زن را شامل می‌شود، شقوق یک تا پنج ماده ۲۱۲ قانون مجازات عمومی منسوخ به شمار می‌رود» (ستوده جهرمی و شهری، ص ۲۵۱).

ایردات عمده‌ای به این نظریه مشورتی وارد است زیرا اولاً دایره شمول ماده ۲۱۲

قانون مجازات عمومی با ماده ۱۰۱ قانون تعزیرات کاملاً متفاوت است لذا نمی‌تواند یکی ناسخ دیگری باشد؛ ثانیاً در متن ماده ۱۰۱ قانون تعزیرات به جرم نامشروع اشاره‌ای نشده است. چگونه می‌توان مفاد ماده ۱۰۱ را شامل عنوان رابطه نامشروع دانست؟ که چنین تفسیری با اصول مسلم حقوق جزا از جمله اصل تفسیر مضیق قوانین کیفری مغایرت آشکار دارد. با توجه به نظریه مشورتی موصوف، دسته سوم از قضات به روش سومی متوسل شده‌اند و آن، استناد به مسأله پنجم از بخش تعزیرات کتاب *تحریر الوسيله* امام خمینی (ره) بود. با این استدلال که چون در متون قانونی به جرم رابطه نامشروع، اشاره‌ای نشده است بنا بر اصل ۱۶۷ قانون اساسی و ماده ۲۸۹ قانون اصلاح موادی از آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۶۱ باید به منابع فقهی معتبر یا فتاوی معتبر مراجعه نمود.

مسأله پنجم از کتاب *تحریر الوسيله* اشعار می‌دارد: «هر کس که ترک واجبی نماید یا مرتکب حرام شود، پس امام و نائب او حق دارد او را تعزیر نماید به شرط اینکه از گناهان کبیره باشد و تعزیر کمتر از حد می‌باشد و حد آن به نظر حاکم است و احوط برای حاکم در موردی که دلیلی بر مقدار آن دلالت ننماید این است که از کمترین حدود تجاوز ننماید» (۲۱۲/۴).

روش این دسته از قضات نیز خالی از اشکال نیست زیرا متن مسأله پنجم هر ترک واجبی یا ارتکاب حرامی را شامل نمی‌شود بلکه شرط مهم آن است که ترک واجب یا ارتکاب حرام، از گناهان کبیره باشد^۱ و تا آن جایی که علما اسلامی، گناهان کبیره را با

۱. در ذکر عناوین گناهان کبیره میان فقها اختلاف نظر وجود دارد. برخی از گناهان کبیره عبارت است از: فرار از جهاد، کمک به ستمگران، یاری نکردن به ستمدیدگان، اسراف، کبر ورزیدن، جنگ با مسلمانان، ترک نماز به صورت عمدی، ندادن زکات، ترک واجبات، اصرار برگناه،

عنایت به آیات و روایات بر شمرده‌اند، زنا جزء آن بوده اما عمل منافی عفت غیر از زنا و یا رابطه نامشروع جزء گناهان کبیره به شمار نیامده است. در هر حال روش دسته سوم هم قانونی نبوده است، اما می‌توان این گونه ادعا کرد که اگر مرتکبین متأهل بودند مشمول ماده ۲۱۲ قانون مجازات عمومی بوده و در غیر این صورت هر گونه مجازاتی علیه مرتکب مجرد و جاهت قانونی نداشته است.

در سال ۱۳۷۵ قانونگذار با اضافه کردن «روابط نامشروع» به متن ماده ۶۳۷ به تمامی این مباحث پایان بخشیده و برای هر دو جرم، رابطه نامشروع و عمل منافی عفت غیر از زنا مجازات شلاق تا نود و نه را در نظر گرفته است که به لحاظ شدت در قباحت و زشتی عمل منافی عفت غیر از زنا نسبت به جرم رابطه نامشروع، دور از عدل و انصاف به نظر می‌رسد.

با دقت در متن ماده ۶۳۷ که مقرر می‌دارد: «هرگاه مرد و زنی که بین آنها علقه زوجیت نباشد، مرتکب روابط نامشروع یا عمل منافی عفت غیر از زنا از قبیل تقبیل یا مضاجعه شوند به شلاق تا ۹۹ ضربه محکوم خواهند شد و اگر این عمل با عنف و اکراه باشد، فقط اکراه کننده تعزیر می‌شود». دو اشتباه محرز به چشم می‌خورد؛ اول ذکر «از قبیل تقبیل یا مضاجعه» است که مختص به عمل منافی عفت غیر از زناست اما توهم بر این است که مصداق روابط نامشروع نیز می‌باشد که شایسته بود قانونگذار برای مورد رابطه نامشروع نیز، مصداقی ذکر می‌کرد. دوم، ذیل ماده قانونی است که «اگر این عمل با عنف و اکراه باشد، فقط اکراه کننده تعزیر می‌شود» مختص به عمل منافی عفت غیر از زناست و در خصوص رابطه نامشروع چون دو طرفه است اکراه در آن، قابل تصور نمی‌باشد.

سؤالی که وجود دارد اینکه آیا برای تحقق جرم رابطه نامشروع، نیاز به ارتکاب

بیش از یک بار عمل از سوی مرتکبان است یا با یک بار عمل، جرم محقق می‌شود؟ به نظر می‌رسد اگر چه در ماده قانونی از کلمه جمع «روابط نامشروع» استفاده شده است اما مراد قانونگذار از آن، افاده نوع آن است نه اینکه تعدد فعل ارتكابی منظور او بوده باشد. شبیه این موضوع را می‌توان در مواد قانونی دیگر همچون نشر اکاذیب (ماده ۶۹۸)، آلات و ادوات جرم (ماده ۶۹۹)، عضویت در دسته‌ها و جمعیتها (ماده ۴۹۹)، نقشه‌ها یا اسرار یا اسناد و تصمیمات (ماده ۵۰۱) و غیره ملاحظه نمود.

رکن مادی

یکی دیگر از ارکان تشکیل دهنده هر جرمی، رکن مادی آن جرم است؛ یعنی، باید فعل یا ترک فعل که قانون آن را جرم شناخته است، از طرف شخص انجام گیرد تا بتوان او را مسؤول دانست و به مجازات مقرر قانونی رساند. امروزه نمی‌توان کسی را به اتهام داشتن اندیشه مجرمانه، مجازات کرد. لذا برای آنکه شخصی را که دارای قصد مجرمانه است، مسؤول شناخت باید واکنشی هم نشان دهد؛ یعنی، رفتاری را انجام دهد که در قانون جزا، جرم شناخته شده است (صانعی، ۱/۲۵۳).

از دیدگاه حقوقدانان مصادیق تحقق رکن مادی عبارت است از: فعل، ترک فعل، داشتن و نگاهداری و فعل ناشی از ترک فعل. اما در جرائم منافی عفت صرفاً با انجام فعل مثبت مادی قابل تحقق است و سایر مصادیق از دایره شمول این گونه جرائم خارج است. در رکن مادی این جرم مباحثی از قبیل خصوصیات جرم، شرایط و اوضاع و احوال، رفتار مادی و فیزیکی و همچنین نتیجه حاصله نیز وجود دارد که باید مورد بررسی قرار گیرد.

خصوصیات دو جرم رابطه نامشروع و عمل منافی عفت

دو جرم رابطه نامشروع و عمل منافی عفت غیر از زنا از نظر خصوصیت فرقه‌هایی با یکدیگر دارند. اول: جرم رابطه نامشروع، جزء جرائم مستمر می‌باشد زیرا مصادیق

این جرم، افعالی است که در طول زمان استمرار و ادامه دارد و مبین قصد مجرمانه مستمر می‌باشد همانند مسافرت رفتن، نامه‌نگاری کردن؛ اما جرم عمل منافی عفت غیر از زنا، جزء جرائم آنی است و مصادیق آن در یک لحظه صورت می‌گیرد و به محض هر گونه تماس جسمی همراه با سوء نیت به جز مقاربت و مواقعه میان زن و مرد که رابطه علقه زوجیت بینشان نیست، جرم تحقق یافته است. دوم: جرم رابطه نامشروع، جرم دو طرفه است و اکراه در این جرم، جایگاهی ندارد و تا زمانی که طرفین رضایت نداشته باشند این جرم محقق نمی‌شود، اما جرم عمل منافی عفت غیر از زنا هم می‌تواند دو طرفه باشد و هم یک طرفه؛ یعنی، هم می‌تواند با رضایت دو طرف تحقق پیدا کند و هم با اکراه یک طرف. نقطه اشتراک دو جرم موصوف در ساده و مطلق بودن آنها است؛ یعنی، اولاً این نوع از جرائم از ترکیب چند عمل تشکیل نمی‌گردد بلکه با یک نوع عمل، قابل تحقق است؛ ثانیاً تحقق یا عدم تحقق نتیجه مجرمانه که همانا التذاذ جنسی است، تأثیر در خود جرم ندارد.

شرائط و اوضاع و احوال

با توجه به مفاد ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی، شرائط و اوضاع و احوال که از عناصر مهم رکن مادی است و دارای اهمیت فراوان است به شرح زیر است:

اول: نبودن علقه زوجیت میان طرفین است. ارتکاب جرم برای کسانی قابل تصور است که امکان ایجاد علقه زوجیت بینشان باشد، لذا تحقق این جرم برای افراد محرم به دلیل عدم امکان علقه زوجیت، قابل تصور نیست و نمی‌توان برادر و خواهر، داماد و مادر زن یا عروس و پدر شوهر را به اتهام این جرم، تحت تعقیب قرار داد و مجازات کرد. بعضی از نویسندگان (زراعت، ۱۴۵/۲) به این امر مهم توجه نکرده و با استناد به اطلاق ماده قانونی، آن را شامل افراد محرم نیز دانسته‌اند که چنین برداشتی خلاف منطوق ماده قانونی مذکور است.

دوم: مرتکبان باید به سن شرعی رسیده باشند چرا که اولاً اطفال مسؤولیت کیفری ندارند؛ ثانیاً در ماده قانونی «زن و مرد» قید شده که در خصوص افراد بالغ به کار می‌رود؛ ثالثاً علقه زوجیت میان اطفال امکان‌پذیر نیست.

سوم: از سیاق ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی این برداشت وجود دارد که مجرد و متأهل بودن مرتکب، تأثیری در مقدار مجازات ندارد و هر دو گروه از شرایط یکسانی برخوردارند.

چهارم: مراد از «علقه زوجیت» مذکور از ماده موصوف، اعم از علقه زوجیت قانونی یا شرعی است و فرقی ندارد که صیغه عقد دائم یا منقطع باشد و در دفترخانه ازدواج ثبت گردیده یا ثبت نشده باشد.

پنجم: حکم ماده مذکور، اختصاص به زن و مرد دارد و ارتکاب عمل مجرمانه دو مرد و یا دو زن از شمول ماده خارج است.

ششم: رضایت افراد در حین ارتکاب عمل، تأثیری در تحقق جرم یا اجرای مجازات مرتکب ندارد چرا که جرم جنبه عمومی دارد و در ارتباط با حیثیت و شرافت انسانی است که مالک واقعی آن خداوند متعال است.

نکته حائز اهمیت این است که به قرائن و امارات که در اطراف هر یک از مرتکبان وجود دارد باید توجه خاص کرد و عرف و عادت و آداب و رسوم در جامعه مرسوم را نیز مد نظر قرار داد و سپس در خصوص مرتکبان، قضاوت نمود نه اینکه صرف یک مکالمه تلفنی و یا گپ اینترنتی (chat) و نشستن در کنار یکدیگر در پارک، ملاک و معیار روابط نامشروع تلقی گردد و مرتکبان تحت تعقیب قرار گیرند و به مجازات برسند.

رفتار مادی و فیزیکی

در ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی، مصادیقی از عمل منافی عفت غیر از زنا ذکر

شده است. از آن جا که مصادیق به صورت تمثیلی است نه حصری لذا موارد دیگری نیز وجود دارد که بدانها اشاره نشده است. مصادیق بدین شرح است:

تقبیل: ریشه این واژه «قبل» نقیض دبر (ابن منظور، ص ۵۳۶)، به معنای جلو و قسمت جلو (بستانی، ص ۴۳۲) و به معنای «جلوی» است و تقبیل به معنی بوسیدن و بوسه زدن آمده است (عمید، ص ۴۱۰). ممکن است بوسه زدن، به طور کلی به منظور احترام یا محبت به دیگری باشد اما از نظر قانونگذار، انجام این عمل میان مرد و زن نامحرم، جرم اعلام شده است.

مضاجعه: ریشه آن «ضجع» به معنای خوابیدن به پهلو است و از باب مفاعله برای بیان مشارکت و همکاری دو نفر در انجام امری به کار می‌رود (عمید، ص ۱۰۹۶). در اصطلاح به معنی خوابیدن دو نفر به پهلو و در کنار هم و در یک بستر می‌باشد و یا اجتماع دو یا چند نفر در یک رختخواب.

مصافحه: به معنای دست دادن با یکدیگر است. هر چند ممکن است که چنین عمل، بدون انگیزه و التذاذ جنسی صورت گیرد و یا در عرف برخی خانواده‌ها، نشانه ادب و احترام به هنگام سلام و احوال‌پرسی به طرف مقابل باشد، اما قانونگذار کلیه تماسهای فیزیکی میان زن و مرد را که بینشان علقه زوجیت وجود ندارد جرم اعلام کرده است. با توجه به آنچه در مقدمه گفته شد چنین برخورد قانونگذار به صلاح جامعه نیست زیرا با این شیوه نمودار جرائم ارتكابی روز به روز افزایش پیدا می‌کند، در حالی که مرتکب فاقد سوء نیت بوده و قصد مجرمانه‌ای نداشته است.

معانقه: این کلمه از ریشه «عنق» به معنای «گردن» گرفته شده و از باب مفاعله است و به اصطلاح حالت فیزیکی و جسمی دو نفر نسبت به یکدیگر است به صورتی که گردن‌های آنان در کنار هم قرار گیرد و منظور، هم آغوشی است که در *تحریر الوسيله* بدان اشاره شده است (امام خمینی (ره)، ۲۱۴/۴).

در ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی، مصادیق جرم روابط نامشروع ذکر نشده

است، اما با توجه به تعریف این جرم: «هر گونه ارتباط دو طرفه میان مرد و زن نامحرم به قصد التذاذ جنسی و بدون هر گونه تماس جسمی» می‌توان موارد زیر را مصادیق آن به شمار آورد:

مکالمه: یکی از ابتدائی‌ترین راههای ارتباط میان افراد، مکالمه است. مکالمه بین مرد و زن نامحرم از سه حالت خارج نیست. اول: مکالمه‌ای که برای بیان حاجت‌های ضروری میان زن و مرد صورت می‌گیرد که بر اساس نظر فقهی همه فقها این نوع مکالمه اشکالی ندارد. دوم: مکالمه‌ای که همراه با نازک کردن صوت و آمیختن آن با عشوه باشد و نیز به کار بردن کلمات و عبارات عاشقانه و مهیج از سوی طرفین که بنا بر اتفاق نظر فقها این نوع صحبت کردن جایز نیست. سوم: مکالمه‌ای که از یک طرف، غیر ضروری بوده ولی از طرف دیگر هیچ گونه تهییجی میان مرد و زن نامحرم را به دنبال ندارد، این گونه مکالمه طبق نظر اکثریت قریب به اتفاق فقها، جایز ولی احتیاط در ترک آن است.

آنچه امروزه در دانشگاه‌ها، ادارات و اجتماعات مشاهده می‌شود، مکالمه از نوع سوم است. بنابراین این گونه نیست که هر نوع مکالمه‌ای میان مرد و زن نامحرم جرم باشد.

مکاتبه: بر خلاف مکالمه که احراز رابطه نامشروع در آن بسیار دشوار است، در مکاتبات میان مرد و زن نامحرم، چنانچه شامل مسائل شهوانی و عشقی یا تصاویری که حاوی مسائل جنسی باشد، راحت‌تر می‌توان رابطه نامشروع را احراز کرد. برخی از مراجع تقلید، نامه‌نگاری با نامحرم و طرح مسائل عشقی و شهوانی را در نامه، غیر جایز و حرام شمرده‌اند (پورزین، ص ۱۰۱). اگر رد و بدل شدن نامه عاشقانه برای ازدواج بین دختر و پسر رشید باشد، آیا باز هم جرم است؟ اداره حقوقی دادگستری چنین پاسخ داده است: «... صرف مکاتبه مبنی بر ابراز تمایل و علاقه به ازدواج بین مرد و زنی که فاقد موانع نکاح باشند، جرم تلقی نمی‌گردد...» (ستوده جهرمی و شهری،

ص ۲۵۱).

خلوت کردن: مرد و زن نامحرم در مکانی حضور پیدا کنند که امکان ورود اشخاص دیگر افراد وجود نداشته باشد در این صورت، خلوت کردن مصداق پیدا می‌کند. اگر به مدت طولانی، دو فرد نامحرم در یک مکان خلوت به سر ببرند، اماره‌ای است مبنی بر اینکه قصد و سوء نیت طرفین از این خلوت همانا ایجاد رابطه نامشروع است که می‌تواند زمینه را برای برقراری رابطه جنسی مساعد سازد.

اختلاط: در لغت، اختلاط به معنی امتزاج و در هم آمیختن است و در اصطلاح به همراهی و حشر و نشر و عدم تفکیک بین مرد و زن در مجامع و اماکن عمومی یا خصوصی نظیر سینما، پارک، خیابان، جشن‌های خانوادگی و غیره اطلاق می‌شود. ناگفته نماند هر اختلاطی را نمی‌توان رابطه نامشروع تلقی کرد، بلکه به طور طبیعی باید همراه با تهییج و تحریک جنسی باشد؛ همانند، اینکه جمعی از مردان و زنان در یک جشن، بدون حفظ حجاب و به صورت نیمه عریان شرکت کنند. سایر اختلاطات که غالباً لازمه زندگی دسته جمعی امروزی است و هیچ گونه تحریکات جنسی را به دنبال ندارد، از مصادیق رابطه نامشروع خارج است.

مصادیق رابطه نامشروع، محدود به موارد ذکر شده نیست بلکه موارد مشابه دیگر نیز وجود دارد همانند رد و بدل کردن عکس و یا گفتگو از طریق اینترنت. نکته حائز اهمیت اینکه اگر بخواهیم رابطه‌ای را رابطه نامشروع بدانیم باید قصد التذاذ و سوء نیت و بهره‌برداری جنسی احراز گردد.

نتیجه حاصله در جرائم منافی عفت

جرائم عمدی، به دو دسته مطلق و مقید تقسیم می‌شود. جرائم مطلق به جرائمی گفته می‌شود که مجرد فعل، نگاهداری و یا فعل در موقعیت خاص، جرم تلقی می‌شود و ضرورتی ندارد که نتیجه‌ای هم بر عمل مجرمانه مترتب شده باشد (صانعی، ۱/۲۶۱).

جرائم مقید به جرائمی گفته می‌شود که نتیجه و زیانی از آن حاصل شود و در صورتی که خسارتی از عمل مجرمانه، ناشی نشود، قانونگذار، مرتکب را مسئول نمی‌شناسد. در جرائم منافی عفت، نتیجه حاصله التذاذ و بهره‌جوئی جنسی است و ضرر و زیان حاصله از آن، لکه‌دار کردن حیثیت و شرافت انسانی است، اما آیا حتماً این نتایج باید حاصل شود یا خیر؟ جواب منفی است، چرا که قصد و سوء نیت مرتکب در تحقق جرم کافی به نظر می‌رسد و نیازی به اثبات این موضوع نیست که مرتکب واقعاً لذت هم برده باشد. از این نظر جرم منافی عفت، از نوع جرائم مطلق است. خصوصاً اینکه در برخی از مواقع، انگیزه مرتکب، تحقیر کردن، شوخی کردن، احساس هیجان یا انتقام گرفتن است که هیچ‌گاه همراه با لذت جنسی نیست ولی عمل ارتكابی جرم می‌باشد.

رکن معنوی

تا اواخر قرن دوازدهم، حقوق جزا برای مرتکب جرم، توجهی به سوء نیت و رکن روانی او نداشت و انسان را بدون توجه به قصد و نیت وی و تنها به علت ایراد صدمه از سوی او به دیگری، مجازات می‌کرد، اما از اواخر قرن دوازدهم تغییر مهمی در جهت کلی حقوق جزا روی داد. از این زمان، انسان یک عامل اخلاقی شناخته شد که تنها در صورتی قابل مجازات محسوب می‌گشت که ارتکاب را برگزیده باشد (میرمحمد صادقی، ص ۹۳ و ۹۴). امروزه مجرد ارتکاب عمل مجرمانه و ایراد صدمه به دیگری باعث ایجاد مسئولیت جزایی نمی‌گردد بلکه علاوه بر آن، وجود رکن روانی نیز لازم است.

در یک تقسیم‌بندی، به اعتبار رکن معنوی، جرائم به دو دسته جرائم عمدی و جرائم غیر عمدی، تقسیم می‌شود. جرائم عمدی، آن دسته از جرائمند که رکن معنوی در آنها، سوء نیت یا قصد مجرمانه است؛ مانند، قتل عمدی، سرقت و کلاهبرداری. جرائم غیرعمدی، آن دسته از جرائمند که رکن معنوی در آنها، تقصیر یا

خطای جزایی می‌باشد؛ مانند، قتل شبه عمد یا ایراد صدمهٔ بدنی غیر عمدی ناشی از بی‌احتیاطی در امر رانندگی.

با توجه به دو تعریف مذکور، جرائم منافی عفت، از جمله جرائم عمدی به حساب می‌آیند. کسی نمی‌تواند بعد از ارتکاب عمل منافی عفت و یا ایجاد رابطه نامشروع، ادعا کند به صورت سهوی و غیر عمدی با جنس مخالف خود رابطه برقرار کرده و یا مرتکب عمل منافی عفت شده است، مگر اینکه مرتکب ادعای اشتباه یا اکراه و یا جهل به حکم و یا موضوع نماید که در صورت امکان و صحت ادعا و در چارچوب قانون، قابل استماع می‌باشد.

سوء نیت عام

به طور کلی سوء نیت عام از دو عنصر تشکیل شده است. اول: ارادهٔ ارتکاب؛ دوم: علم به نامشروع بودن عمل ارتکابی. در کلیه جرائم، اعم از عمدی و غیر عمدی، ارادهٔ ارتکاب فعل وجود دارد؛ به عبارت دیگر، قانونگذار فقط عمل ارادی را مجازات می‌کند و در صورت فقدان ارادهٔ ارتکاب فعل، تحقق جرم منتفی است (گلدوزیان، ۹۴/۲). برای مثال، اگر شخصی دیگری را به طور ناگهانی هل دهد و در اثر این عمل، دومی در آغوش زنی بیفتد، جرم عمل منافی عفت محقق نمی‌شود و یا فردی بعد از هیپنوتیزم با زنی حرفهای عاشقانه بزند، به دلیل عدم وجود اراده، رابطه نامشروع، به وجود نمی‌آید. علم به نامشروع بودن عمل ارتکابی نیز عنصر دوم تشکیل دهندهٔ سوء نیت عام است؛ یعنی، مرتکب در زمان انجام جرم باید بداند که عملش بر خلاف قانون است. به عنوان مثال اگر پسری که در خارج از کشور بزرگ شده است به دلیل عرف رایج در آن کشور و خانواده‌اش، با زنان خویشاوند، دست بدهد و به هنگام احوال‌پرسی آنها را ببوسد به نظر می‌رسد به دلیل فقد سوء نیت عام، مسؤولیت نداشته باشد. آنچه مسلم به نظر می‌رسد اینکه شخص اگر با اراده و آگاهانه و با علم به نامشروع بودن عمل ارتکابی، مرتکب یکی از مصادیق جرائم منافی عفت گردد، مسؤول خواهد بود.

سوء نیت خاص

سوء نیت خاص، یعنی شخص مرتکب علاوه بر قصد ارتکاب عمل مجرمانه، قصد دیگری را هم که از طرف قانون برای تحقق جرم ضروری شناخته شده است و معمولاً قصد نتیجه حاصل از عمل مجرمانه می‌باشد، داشته باشد. به بیان دیگر، خواستن نتیجه حاصل از عمل مجرمانه را سوء نیت خاص گویند (صانعی، ۱/۳۱۱). با این توضیح، سوء نیت خاص در جرائم منافی عفت «قصد التذاذ جنسی از طرف مقابل» می‌باشد، اما آیا تحقق چنین سوء نیتی لازم است یا خیر؟ از آن جایی که رکن معنوی جرائم منافی عفت، با احراز سوء نیت عام، کامل می‌شود، نیازی به سوء نیت خاص نیست.

در رابطه نامشروع، بدیهی است صرف حرف زدن، قدم زدن، مکالمه و مکاتبه میان مرد و زن نامحرم، لذت جنسی را به دنبال ندارد و علی القاعده نباید جرم باشد، اما اطلاق ماده ۶۳۷ نشان می‌دهد که ممکن است چنین اعمالی از دیدگاه قانونگذار جرم به حساب آید. شایسته است قانونگذار همانند ماده ۱۰۱ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۲ کلمه «روابط نامشروع» را از متن ماده ۶۳۷ حذف نماید تا جهت قانون با عرف حاکم همسو گردد.

در خصوص «اعمال منافی عفت غیر از زنا» قضیه روشن‌تر است. زیرا این دسته از جرائم همواره با تماس بدنی و جسمی همراه می‌باشد، همانند، تقبیل و مضاجعه که ظهور در التذاذ داشته و امری ناپسند می‌باشد. در هر حال، احراز سوء نیت عام برای تحقق رکن معنوی جرم رابطه نامشروع و عمل منافی عفت کافی است و احراز سوء نیت خاص ضروری به نظر نمی‌رسد.

مشکل، زمانی به وجود می‌آید که قاضی با توجه به شرایط و اوضاع و احوال و اظهارات طرفین به این نتیجه برسد که ارتباط میان مرد و زن نامحرم، رابطه نامشروع نبوده (مثلاً برای حمل مواد مخدر با هم به سفر رفتند) و یا شخصی که به هنگام

احوال‌پرسی، صورت یکی از اقوام مؤنث خود را ببوسد چون تازه به ایران برگشته و از کودکی در اروپا بزرگ شده است و احوال‌پرسی بدین صورت را نشانهٔ ادب و احترام می‌داند و از جرم بودن آن، در ایران بی‌خبر است. در این گونه موارد به نظر می‌رسد نه تنها سوء نیت خاص نیست بلکه سوء نیت عام نیز وجود ندارد، اما به هر حال ناآگاهی و بی‌اطلاعی مدعی باید احراز و اثبات گردد.

در ذیل ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی، موضوع اکراه مطرح شده است. آیا اکراه، در جرم رابطه نامشروع قابل تصور است؟ به نظر می‌رسد از آن جا که رابطه نامشروع، دو طرفه است و تا زمانی که دو طرف راضی به ایجاد رابطه از طریق مکالمه، مکاتبه، و رد و بدل کردن عکس و غیره نباشند، جرم رابطه نامشروع تحقق پیدا نمی‌کند اگر احیاناً اجبار و اکراهی از یک طرف باشد، جرم عنوان مجرمانه دیگر همانند ایجاد مزاحمت و غیره پیدا می‌کند و به طور کلی از ماهیت جرم رابطه نامشروع جدا می‌گردد. در خصوص عمل منافی عفت غیر از زنا، اکراه و اجبار قابل تصور است که اکراه کننده با توجه به مفاد مواد ۵۴ و ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی به مجازات مقرر قانونی محکوم می‌گردد. لذا ذیل ماده ۶۳۷ صرفاً ناظر به عمل منافی عفت غیر از زنا است و شامل رابطه نامشروع نمی‌شود چرا که رابطه نامشروع اکراه پذیر نیست.

مجازات‌های جرائم رابطه نامشروع و عمل منافی عفت غیر از زنا

قبل از انقلاب، قانونگذار برای جرائم رابطه نامشروع و عمل منافی عفت غیر از هتک ناموس به ترتیب به موجب مواد بند الف ماده ۲۰۸ و ماده ۲۱۲ قانون مجازات عمومی، مجازات حبس تأدیبی از شش ماه تا سه سال را در نظر گرفته بود. اما قانون مجازات اسلامی در بخش حدود، مصوب سال ۱۳۷۰ در خصوص زناکاران محصن به موجب ماده ۸۳ مجازات رجم را در نظر گرفته است و در بخش تعزیرات مصوب سال ۱۳۷۵ برای غیر محصن که عمل مجرمانه آنها از نوع زنا نباشد به موجب ماده ۶۳۷

مجازات شلاق تا ۹۹ ضربه را لحاظ کرده است. اشکال در این است که اگر جرم ارتكابی، رابطه نامشروع و یا عمل منافی عفت غیر از زنا باشد در هر دو حال مجازات شلاق تا ۹۹ ضربه مد نظر قانونگذار قرار گرفته است که در حقیقت به دور از عدل و انصاف است. به دلیل اینکه قبلاً توضیح داده شد، فرق اساسی میان این دو جرم وجود دارد و عمل منافی عفت به مراتب شدیدتر و قبیح‌تر از وجود رابطه نامشروع میان مرد و زن نامحرم است.

نتیجه‌گیری

رابطه نامشروع و عمل منافی عفت غیر از زنا موضوعی است که در متون فقهی، بحث شده است. آنچه که در روایات و کلمات فقها مورد توجه قرار گرفته، عمل منافی عفت غیر از زنا است، اما از دلالت برخی از آیات و همچنین عقل می‌توان چنین برداشت کرد که روابط نامشروع نیز یک عمل حرام و قابل مجازات می‌باشد. از آن جا که ماهیت دو موضوع «روابط نامشروع» و «عمل منافی عفت» با یکدیگر فرق دارد، میزان تعزیر برای هر یک از آن دو باید متفاوت باشد، هر چند مقدار آن به تشخیص حاکم شرع است.

قانونگذار ایران در ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی فرقی میان دو موضوع موصوف قائل نشده و برای هر دو مجازات شلاق تا نود و نه ضربه را مقرر داشته است در حالی که در رابطه نامشروع، هیچ گونه تماس فیزیکی و جسمی میان طرفین حاصل نمی‌شود، اما در عمل منافی عفت غیر از زنا، با تماس جسمی و فیزیکی بین مرد و زن نامحرم جرم تحقق پیدا می‌کند و این موضوع ایجاب می‌کند که تعداد شلاق باید برای آن دو متفاوت باشد. چرا که رکن مادی جرم رابطه نامشروع با مکالمه، مکاتبه، خلوت کردن و اختلاط محقق شده و عمل منافی عفت با تقبیل، مضاجعه، مصافحه و معانقه و اعمالی از این قبیل تحقق پیدا می‌کند.

منابع

- آخوندی، محمود، *آیین دادرسی کیفری*، جلد دوم، انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۷۲.
- آشوری، محمد، *آیین دادرسی کیفری*، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۶.
- ابن منظور، *لسان العرب*، الطبعة الاولى، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق.
- بستانی، فؤاد افرام، *منجد الطلاب*، ترجمه محمد بندر ریگی، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۶.
- پاد، ابراهیم، *جزوه حقوق جزای اختصاصی*، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۵۳.
- پورزرین، علی، *نقد و بررسی ماده ۶۳۷*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران، پاییز ۱۳۸۱.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*، جلد چهارم، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۸.
- حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعة الى التحصیل الشریعة*، با تحقیق عبدالرحیم الربانی الشیرازی، بیروت - لبنان، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- _____، *وسائل الشیعة*، تصحیح شیخ محمد رازی، بیروت، ۱۳۸۷ق.
- خمینی (امام)، *روح الله، تحریر الوسیله*، جلد چهارم، ترجمه علی اسلامی، انتشارات بی تا.
- _____، *تحریر الوسیله*، جلد دوم، مکتبه العلمیه الاسلامیه، ۱۳۹۰.
- دستغیب، سید عبدالحسین، *گناهان کبیره*، جلد اول و دوم، انتشارات جهان، ۱۳۶۰.
- *رأی وحدت رویه شماره ۱۱۸۹ - ۱۳۳۶/۳/۳۰* صادره از هیأت عمومی دیوان عالی کشور.
- زراعت، عباس، *شرح قانون مجازات اسلامی*، جلد دوم، نشر فیض، ۱۳۷۹.
- ستوده جهرمی، سروش و شهری، غلامرضا، نظریات اداره حقوقی قوه قضائیه در زمینه مسائل کیفری، جلد دوم، روزنامه رسمی کشور، ۱۳۷۵.
- شهید اول، *اللمعه الدمشقیه*، تهران، انتشارات یلدا، ۱۴۱۱ق.
- شهید ثانی، *الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیه*، بی تا.
- صالحی خوانساری، حسین، *مقاله تفسیر ماده ۷۲۷ قانون مجازات اسلامی*، مجله حقوقی

- و قضائی دادگستری، شماره ۳۷، زمستان ۱۳۸۰.
- صانعی، پرویز، *حقوق جزای عمومی*، جلد اول، چاپ گنج دانش، ۱۳۷۲.
- طباطبایی، سید محمد حسن، *تفسیر المیزان*، جلد هفتم، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۳.
- عابدینی، احمد، *سیری در آیات حجاب*، مجله فقه، شماره ۲۳، ۱۳۷۹.
- عمید، حسن، *فرهنگ فارسی عمید*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۷.
- *قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری* سال ۱۳۷۸.
- *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران سال ۱۳۵۸* و متمم و اصلاحیه آن سال ۱۳۶۸.
- *قانون اصلاح موادی از آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۶۱*.
- *قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۶۱*.
- *قانون راجع به مجازات اسلامی، تعزیرات، مصوب سال ۱۳۶۲*.
- *قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰*.
- *قانون مجازات اسلامی، تعزیرات و مجازاتهای باز دارنده، مصوب سال ۱۳۷۵*.
- *قانون مجازات عمومی سال ۱۳۰۴* و اصلاحیه سال ۱۳۱۲ و ۱۳۱۳.
- گلدوزیان، ایرج، *حقوق جزای عمومی*، جلد دوم، انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۲.
- میرمحمد صادقی، حسین، *جرائم علیه اموال و مالکیت*، نشر میزان، ۱۳۷۸.
- مجلسی، محمدباقر، *بحارالانوار*، بیروت، چاپ مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۲ق.
- محقق حلّی، جعفر بن حسن، *شرائع الاسلام فی الحلال و الحرام*، چاپ سنگی، مکتبه العلمیه الاسلامیه، ۱۳۷۷ق.
- محقق داماد، سید مصطفی، *قواعد فقه* ۴، تهران، مرکز نشر علوم انسانی، ۱۳۷۹.
- محمدی، ابوالحسن، *حقوق کیفری اسلام*، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۴.
- نجفی، محمد حسن، *جواهر الکلام*، جلد ۴۱، دار احیاء التراث العربی، بیروت، لبنان، ۱۳۵۷.
- *نظریه مشورتی شماره ۷/۹۷۹ - ۱۳۶۳/۳/۲* اداره حقوقی دادگستری.
- *نظریه مشورتی شماره ۷/۵۸۹۶ - ۷۹/۶/۱۹* اداره کل حقوقی و تدوین قوانین قوه قضائیه.
- نقوی، سید محسن، *مقاله نظری به جرائم منافی عفت*، مجله کانون وکلا شماره ۱۱۲، سال ۱۳۴۸، ۲۱.